

ادراکات

سردار حمید هداوند*

ناکامی سارقان در توجه به هشدارهای پیشگیرانه



سرقت پدیده‌ای است که امنیت و سلامت روانی فرد و جامعه را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در موضوع سرقت آنچه بیش از سایر مسائل مطرح است، این است که امنیت روانی فرد مالباخته و حتی اطرافیان او نیز آسیب می‌بیند و حتی در صورت پیدا شدن اموال سرقتی، باز هم احساس ناامنی تأثیر نامطلوب خود را بر جای می‌گذارد.

سرقت‌ها و از جمله سرقت منزل جزو مواردی است که به سرعت اذهان عمومی جامعه را آشوش و ناامنی و بی‌اعتمادی مردم را نسبت به امنیت موجود بر می‌انگیزد و موجب کاهش احساس امنیت افراد جامعه می‌شود. نباید فراموش کرد که احساس امنیت به راحتی کاهش پیدا می‌کند و برای ارتقا این احساس تلاش و

زحمات بسیاری باید کشیده‌شود. آنچه باید در این مهم مورد توجه قرار گیرد این است که چگونه می‌توان مانع از وقوع سرقت

شد و اینکه چه کاری باید انجام شود که امکان ارتکاب سرقت کاهش پیدا کند؛ چراکه پیشگیری همواره بهتر و کم هزینه‌تر از درمان است.

در مسئله سرقت هم پیشگیری وضعی از جمله مواردی است

که باید توسط همه شهروندان رعایت شود. در پیشگیری وضعی

باید وضعیت را به گونه‌ای رقم زد که امکان سرقت کاهش یابد و

ریسک انجام سرقت بالا رود؛ چراکه مجرمان همواره به دنبال کم

خطرترین و مناسبت‌ترین فرصت‌ها برای انجام سرقت هستند.

به عنوان مثال خودروهایی که دارای درزگیر هستند ریسک

سرقت آنها بالا رفته و اگر دارای قفل فرمان و بدال باشند، امکان

سرقت آن کاهش پیدا می‌کند و از آنجایی که سارقان چندان

اهل ریسک کردن و خطر کردن نیستند، از این رو غالباً به دنبال

سرقت‌هایی هستند که به راحتی و بدون زحمت بتوانند آن را

مرتکب شوند، از این رو باید اذعان داشت که نحوه و چگونگی

مدیریت شرایط توسط شهروندان می‌تواند تأثیر مستقیم و

به‌سزایی در وقوع سرقت داشته باشد. باید توجه داشت همچنان

که گفته شد، سارقان همواره به دنبال طعمه‌های آسان هستند

و هرگز به دنبال ریسک کردن و خطر کردن نیستند؛ چراکه

در سرقت یک اشتباه می‌تواند آخرین اشتباه باشد یا مشکلات

بسیاری را به دنبال داشته باشد از این رو استفاده از برخی امکانات

و تجهیزات می‌تواند عنصر بازدارنده محسوب شده یا سرقت را به

تأخیر اندازند که در هر صورت تأثیرگذار است.

در هر صورت به منظور مقابله با موضوع سرقت علاوه بر اینکه شرایط اجتماعی و اقتصادی در کاهش و افزایش این موضوع تأثیرگذار است، ولی در مجموع باید اذعان داشت که رعایت اصول اولیه مثل نگه داشتن اموال قیمتی و طلاجات در منزل و نرسیدن کلیدهای خانه به افراد غیر مطمئن، استفاده از قفل‌های مطمئن، استاندارد و همچنین در صورت ترک منزل و به مسافرت رفتن و سیردن منزل به افراد مطمئن می‌تواند مانع از سرقت منزل شود و در خصوص خودرو باید گفت که استفاده از قفل بدال استاندارد، دزدگیر و قفل فرمان می‌تواند تا حد زیادی مانع از سرقت خودرو شود. موضوعات ساده‌ای که در صورت رعایت آنها سارقان نتوانند توانست به راحتی به مطامع شوم خود برسند. آنچه امروزه سارقان را تا حدود زیادی از دست زدن به سرقت در هر مکانی باز می‌دارد، استفاده از دوربین‌های مداربسته است؛ چراکه با ثبت چهره متهمان و مجرم‌مان دستگیری آنها توسط پلیس سریع‌تر انجام خواهد شد.

در هر صورت به منظور مقابله با موضوع سرقت علاوه بر اینکه شرایط اجتماعی و اقتصادی در کاهش و افزایش این موضوع تأثیرگذار است، ولی در مجموع باید اذعان داشت که رعایت اصول اولیه مثل نگه داشتن اموال قیمتی و طلاجات در منزل و نرسیدن کلیدهای خانه به افراد غیر مطمئن، استفاده از قفل‌های مطمئن، استاندارد و همچنین در صورت ترک منزل و به مسافرت رفتن و سیردن منزل به افراد مطمئن می‌تواند مانع از سرقت منزل شود و در خصوص خودرو باید گفت که استفاده از قفل بدال استاندارد، دزدگیر و قفل فرمان می‌تواند تا حد زیادی مانع از سرقت خودرو شود. موضوعات ساده‌ای که در صورت رعایت آنها سارقان نتوانست به راحتی به مطامع شوم خود برسند. آنچه امروزه سارقان را تا حدود زیادی از دست زدن به سرقت در هر مکانی باز می‌دارد، استفاده از دوربین‌های مداربسته است؛ چراکه با ثبت چهره متهمان و مجرم‌مان دستگیری آنها توسط پلیس سریع‌تر انجام خواهد شد.

«جانشین فرماندهی انتظامی تهران بزرگ

مرگ سارق با شلیک گلوله

تعقیب و گریز مأموران پلیس تهران با سارق سابقه داری که خودروی سواری را سرقت کرده‌بود با مرگ سارق پایان یافت.

به گزارش جوان، چند روز قبل قاضی ساسان غلامی بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌ها با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در بیمارستان با جسد مرد جوانی روبه‌رو شدند که با شلیک گلوله به کام مرگ رفته بود. بررسی‌ها نشان داد مرد فوت شده سارق سابقه داری است که حدود ۲۰ روز قبل در تعقیب و گریز با مأموران پلیس تهران با شلیک گلوله زخمی و راهی بیمارستان می‌شود، اما در نهایت بر اثر شدت

خونریزی روی تخت بیمارستان فوت می‌کند.

یکی از شاهدان در توضیح ماجرا گفت: «روز حادثه مأموران

پلیس هنگام گشت زنی به خودروی سواری پراپدی که مرد

فوت شده راننده آن بود، مشکوک می‌شوند. مأموران که

نخستین گام از مرکز پلیس شماره پلاک خودرو را استعمال

می‌گیرند که مشخص می‌شود خودروی پراپد سه‌روز قبل

سرقت شده‌است، بنابراین مأموران به خودرو سرفتی نزدیک

می‌شوند و به راننده دستور ایست می‌دهند، اما راننده با دیدن

مأموران پلیس با فشار پدال گاز از محل فرار می‌کند. بدین

ترتیب تعقیب و گریز مأموران با سسارق رقم می‌خورد که در

ادامه مأموران پلیس با به کارگیری قانون استفاده از سلاح

شلیک چند تیر هوایی به سارق هشدار می‌دهند توقف کند»

وی ادامه داد: «ما سارق همچنان فرار می‌کند که مأموران

این بار لاستیک‌های خودرو را نشانه‌گیری می‌کنند اما

راننده باز هم تسلیم نمی‌شود که یکی از تیرهای شلیک

شده به او اصابت می‌کند و پس از آن خودرو متوقف می‌شود

و مأموران هم سارق زخمی را برای در مان به بیمارستان

منتقل می‌کنند.»

وی در پایان گفت: «در بررسی‌ها مشخص شد مرد فوت

شده از سارق سابقه داری است که چندین سابقه سرقت

در پرونده‌های ثبت شده است.»

همزمان با انتقال جسد مرد فوت به پزشکی قانونی قاضی

ساسان غلامی دستور داد نحوه شلیک بررسی تا مشخص

شود قانون به کارگیری سلاح از سوی مأمور پلیس هنگام

تیراندازی رعایت شده است یا نه. تحقیقات درباره این

حادثه ادامه دار.

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

افتادن کلاه گیس قاتل را رسوا کرد



افتادن کلاه گیس قاتل تحت تعقیب که با تغییر چهره موفق به فرار از دست پلیس شده‌بود سرانجام او را گرفتار کرد. به گزارش «جوان»، چندی قبل اعضای خانواده‌ای به اداره پلیس تهران رفتند و اعلام کردند مخفیگاه قاتل فرزندشان را پس از دو سال در یکی از شهرهای غربی کشور شناسایی کرده‌اند. یکی از اعضای این خانواده گفت: «پان‌سال ۹۷ بود که به ما خبر دادند پسرمان به اسم بهادر با شلیک گلوله در نزدیکی شهری به قتل رسیده است. بررسی‌های مأموران پلیس شهری نشان داد قاتل یکی از دوستان پسرمان به نام افراسیاب است که در درگیری پسرمان را به قتل رسانده و به مکان نامعلومی گریخته است. دو سال است که مأموران ردی او پیدا نکردند و ما هم خیلی به دنبال او گشتیم، اما مثل اینکه آب شده‌بود و به زمین رفته بود تا اینکه امروز یکی از بستگان دور ما به نام فرید که در یکی از شهرهای غربی کار می‌کند با ما تماس گرفت و گفت افراسیاب را در ساختمان نیمه کاره‌ای در همان شهر غربی شناسایی کرده است. فرید تلفنی به ما گفت که در محل کارش افراسیاب با چهره‌ای گریم شده و به نام جعلی حمید مشغول به کار است و کسی هم او را نمی‌شناسد. چند روز قبل به خاطر موضوعی با هم اختلاف پیدا کردند تا اینکه ساعتی قبل با هم درگیر شدند و یکدیگر را کتک زدند که ناگهان کلاه گیسگی که روی سر افراسیاب بود روی زمین افتاد. همان لحظه فهمیده‌است به خاطر اینکه شناسایی نشود کلاه گیس گذاشته است، اما افراسیاب که خودش را حمید معرفی کرده، گفته‌است به خاطر اینکه کچل است کلاه گیس گذاشته تا کسی او را مستخره نکند اما چهره افراسیاب برای فرید آشنا بود و متوجه شده چهره او شبیه قاتل بهادر است که پس از فرار خودش را گریم کرده تا شناسایی نشود.»

افتادن کلاه گیس قاتل تحت تعقیب که با تغییر چهره موفق به فرار از دست پلیس شده‌بود سرانجام او را گرفتار کرد. به گزارش «جوان»، چندی قبل اعضای خانواده‌ای به اداره پلیس تهران رفتند و اعلام کردند مخفیگاه قاتل فرزندشان را پس از دو سال در یکی از شهرهای غربی کشور شناسایی کرده‌اند. یکی از اعضای این خانواده گفت: «پان‌سال ۹۷ بود که به ما خبر دادند پسرمان به اسم بهادر با شلیک گلوله در نزدیکی شهری به قتل رسیده است. بررسی‌های مأموران پلیس شهری نشان داد قاتل یکی از دوستان پسرمان به نام افراسیاب است که در درگیری پسرمان را به قتل رسانده و به مکان نامعلومی گریخته است. دو سال است که مأموران ردی او پیدا نکردند و ما هم خیلی به دنبال او گشتیم، اما مثل اینکه آب شده‌بود و به زمین رفته بود تا اینکه امروز یکی از بستگان دور ما به نام فرید که در یکی از شهرهای غربی کار می‌کند با ما تماس گرفت و گفت افراسیاب را در ساختمان نیمه کاره‌ای در همان شهر غربی شناسایی کرده است. فرید تلفنی به ما گفت که در محل کارش افراسیاب با چهره‌ای گریم شده و به نام جعلی حمید مشغول به کار است و کسی هم او را نمی‌شناسد. چند روز قبل به خاطر موضوعی با هم اختلاف پیدا کردند تا اینکه ساعتی قبل با هم درگیر شدند و یکدیگر را کتک زدند که ناگهان کلاه گیسگی که روی سر افراسیاب بود روی زمین افتاد. همان لحظه فهمیده‌است به خاطر اینکه شناسایی نشود کلاه گیس گذاشته است، اما افراسیاب که خودش را حمید معرفی کرده، گفته‌است به خاطر اینکه کچل است کلاه گیس گذاشته تا کسی او را مستخره نکند اما چهره افراسیاب برای فرید آشنا بود و متوجه شده چهره او شبیه قاتل بهادر است که پس از فرار خودش را گریم کرده تا شناسایی نشود.»

پدر مقتول ادامه داد: «ما پس از حادثه عکس‌های

جنایی با گرفتن نیابت قضایی راهی غرب کشور شدند و قاتل فراری را دستگیر کردند. مأموران همچنین در بازرسی از مخفیگاه قاتل یک قبضه کلت کمربند که مقتول با آن به قتل رسیده‌بود کشف کردند.

چهره‌ام را گریم کردم که شناسایی نشوم

متهم پس از انتقال به تهران در بازجویی‌ها به قتل بهادر اعتراف کرد و گفت: «چند سال قبل از درگیری خونین برای کار به تهران آمدم. مدتی کارگری کردم، اما نتوانستم پولی پس‌انداز کنم و از طرفی هم هزینه‌های زندگی در تهران روز به روز زیادتر می‌شد تا اینکه با افراد خلافکاری آشنا شدم و تصمیم گرفتم قاچاق فروشی کنم. چند باری مواد از شهرستان به تهران آوردم و فروختم و پولی خوبی هم گیرم آمد که ادامه دادم. من به تعدادی مواد فروش تریاک می‌فروختم و آنها هم بخش می‌کردند و چند باری هم به بهادر فروختم تا اینکه بار آخر او پول مرا نداد. خیلی تلاش کردم پولم را پس بگیرم اما او هر روز بهانه‌های می‌گرفت تا اینکه تصمیم گرفتم با تهدید طلبم را وصول کنم. روز حادثه حوالی شهر ری با او قرار ملاقات گذاشتم تا درباره حساب و کتابمان با هم حرف بزنیم. آن روز او قبول نکرد بدهی‌اش را پس دهد که با اسلحه او را تهدید کردم و او هم به طرف من اسلحه کشید. ما هر دو به سوی هم شلیک کردیم که تیر من به او اصابت کرد و نقش بر زمین شد.»

وی ادامه داد: «پس از قتل فرار کردم و برای اینکه شناسایی نشوم چهره‌ام را با گریم تغییر می‌دادم و کلاه گیس می‌گذاشتم و بعد به یکی از شهرهای غربی رفتم و در ساختمان نیمه‌کاره‌ای چاهری جدید شروع به کار کردم. فکر می‌کردم که هرگز شناسایی نشوم اما چند روز قبل وقتی با یکی از کارگراها درگیر شدم کلاه گیس از سرم افتاد و او که از نزدیکان مقتول بود مرا شناسایی کرد و مرا لو داد.»

متهم در ادامه به دستور بازپرس جنایی راهی زندان شد.

از سوی قاچاق فروشی به نام افراسیاب با شلیک گلوله به قتل می‌رسد. همچنین مشخص شد این درگیری خونین به خاطر فروش مواد مخدر و اختلاف حساب مقتول و قاتل رخ داده است که قاتل پس از قتل به مکان نامعلومی فرار می‌کند. بدین ترتیب با بدست آمدن اطلاعات مخفیگاه قاتل فراری کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور

کلاهبرداری از فروشندگان کالا با کپی آگهی‌های مجازی

شهروندان نسبت به شیوه‌های جدید کلاهبرداری هوشیار باشند

که با خانواده‌اش هماهنگ می‌کند تا برای بازدید یخچال به خانه‌اش بروم که قبول کردم. من هم به درخواست او به خانه‌اش رفتم و یخچال را دیدم و تصمیم به خرید آن گرفتم. بعد با ابراهیمی تماس گرفتم و قرار گذاشتم تا روز بعد برای انتقال یخچال اقدام کنم که قبول کرد. شاشکی ادامه داد: چند ساعت بعد ابراهیمی تماس گرفت و گفت که برایش کاری ضروری پیش آمده و خواست که همان شب برای بردن یخچال اقدام کنم. او همچنین خواست قبل از رفتن به خانه‌اش پول را به شماره کارتی که برایم ارسال می‌کند کارت به کارت کنم که به ناچار قبول کردم. وقتی برای انتقال یخچال به خانه‌اش رفتم مردی به نام سینا آنجا بود که گفت پولی به حسابش واریز نشده‌است که باهم مشاجره کردیم و به پلیس خبر دادم.

یخچال بدهم به پلیس گفت: من چند روز قبل فروشخانه‌ام را برای فروش در سایت مجازی آگهی کردم. بعد از آن افراد زیادی برای خرید تماس گرفتند و درخواست خرید کردند که شاشکی هم یکی از همان تماس‌گیرندگان بود. اما او پولی به حساب من واریز نکرده است و نمی‌دانم چه کسی با او تماس گرفته و خودش را جای من معرفی

دو مرد در بیکار که با پرسه در سایت‌های مجازی، آگهی‌های فروش کالا را کپی و به شیوه‌های ماهرانه پول خریداران را به جیب می‌زدند یادداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه علی عزیزخانی،

رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران توضیح داد: اول آبان ماه امسال مأموران پلیس تهران از درگیری در یکی از محله‌های عبدل‌آباد باخبر شده و در محل حاضر شدند. مردی که پلیس را از ماجرا باخبر کرد،یوم، گفت که خریدار یخچال است و از فروشنده آن شکایت دارد. بعد از آن بود که هر دو به اداره پلیس منتقل شده‌و در این باره تحقیق شدند. شاشکی در توضیح شکایت خود گفت: مدتی است به دنبال خرید یک یخچال با قیمت مناسب بودم، برای همین در سایت‌های فروش کالا به دنبال یخچال بودم تا اینکه متوجه شدم یک نفر یخچال خانه‌اش را برای فروش آگهی کرده‌است. بعد با فروشنده که از محله قدسیه در شمال تهران آگهی داده‌بود، تماس گرفتم. او خودش را آقای ابراهیمی معرفی کرد و گفت که یخچال در خانه‌اش در عبدل‌آباد در جنوب تهران است. بعد از پرسیدن مشخصات یخچال و توافق بر سر قیمت گفت



متهم: قاتل نیستم مالباخته‌ام

جلسه محاکمه، اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند

و برای متهم در خواست قصاص کردند.

در ادامه متهم که با قرار وثیقه آزاد بود به

دستور ریاست دادگاه در جایگاه ایستاد و با

انکار جرمش گفت: «آن روز وقتی راکب موتور

سیکلت گوشی‌ام را قایمید او را تعقیب کردم

اما او ناگهان به لاین مخالف پیچید. چاره‌ای

نداشتم به همین خاطر من هم با خودرو وارد

لاین مخالف شدم و خلاف جهت دیگر خودروها

او را تعقیب کردم. همچنان که در تعقیب و

گریز بودم، ناگهان راکب موتور سیکلت به یک

دستگاه خودروی سواری برخورد کرد و روی

زمین پرتاب شد.»

متهم در آخر گفت: «باور کنید قصد قتل

نداشتم و فقط می‌خواستم مالی را که از من

سرقت شده بود پس بگیرم. آن مرد خودش

به لاین مخالف رفت و من در هدایت او به آن

لاین نقشی نداشتم. در آن شرایط من هم در

خطر بودم و شاید در این حادثه من کشته

می‌شدم.»



رهای نو جوان ۱۳ساله

از دست آدم‌ربایان

دو زن و یک مرد به اتهام ربودن نو جوان ۱۳ساله از شهرستان نجف‌آباد اصفهان بازداشت شدند و گروگان در سلامت کامل آزادشد. به گزارش جوان، سرهنگ حسین ترکیان رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان گفت: چند روز قبل زن جوانی به مأموران کلانتری ۱۳ نجف‌آباد خبر داد که پسر ۱۳ساله‌اش ربوده شده‌است. او گفت: ساعتی قبل بصرم برای خرید خانه بیرون رفتم. در حالی که منتظر او بودم به من خبر دادند که سرنشینان یک خودروی پژو پارس بجهام راه ربوده‌واز محل متواری شدند. با اعلام شکایت تیمی از مأموران پلیس آگاهی در این باره تحقیق کردند و در جریان بررسی‌های خود موفق شدند محل تردد آدم‌ربایان را در کرمان شناسایی کنند. بعد از آن بود که مأموران متهمان را که دو زن و یک مرد بودند بازداشت شدند و پسر نو جوان را در سلامت کامل نجات دادند. سه متهم در بازجویی‌ها به آدم‌ربایی اعتراف کردند و گفتند به خاطر اختلاف حسنی که با پدر کودک داشتند، دست به آدم‌ربایی زده بودند. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

دعوی پسر عموها

به خاطر چشم در چشم شدن

چهار پسر جوان که به خاطر چشم‌در چشم شدن با پسر عموهایشان بازداشت شده بودند، محاکمه شدند. تحقیقات از یکی از متهمان به خاطر ناشناوبودن و حضور نداشتن مترجم به جلسه بعد موکول شد.

به گزارش جوان، سال گذشته مأموران پلیس ورامین از درگیری خانوادگی در پاکدشت باخبر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان می‌داد دو برادر به نام‌های تاقی و اکبر در درگیری با چهار پسر عمویشان زخمی و راهی بیمارستان شده‌اند.

تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه تقی بعد از درمان و ترخیص از بیمارستان به اداره پلیس رفت و از پسر عموهایش شکایت کرد و گفت: «مدتی قبل باایزد، سلمان، علی و رضا اختلاف داشتیم اما اختلافمان خیلی جدی نبود که قطع رابطه کنیم. روز حادثه به خاطر چشم در چشم شدن بین ما درگیری پیش آمد اما درگیری تمام شد. روز چهارم برادر در خانه دایی‌شان بودند این شد که برای صحبت به آنجا رفتم. اما دوباره درگیر شدیم و درگیری بالا گرفت. آنها، من و برادرم را به شدت کتک زدند تا اینکه راهی بیمارستان شدیم. در آن درگیری خیلی آسیب دیدیم به همین خاطر از آنها شکایت کردم.»

با تأیید این توضیحات از سوی دیگر شاک، پرونده کامل و به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا اینکه در اولین جلسه رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه دوم قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه، دو شاکي در جایگاه ایستادند و گفتند حاضر به گذشت نیستند

و در خواست اشد مجازات دارند.

در ادامه ایزد به جایگاه رفت و گفت: «قبول دارم در درگیری حضور

داشتم، اما دو شاکي نیز ما را به شدت کتک زدند. باور کنید آنها قدری

آسیب ندیدند که حالا از ما شکایت دارند.»

سپس دیگر متهم نیز در جایگاه قرار گرفت و گفت: «فوق ایستاس

حقوق دارم و در آن درگیری حضور نداشتم. اگر متهمان همین الان

شهادت بدهند که آن روز حاضر بودم تابع قانون هستم.»

سومین متهم نیز گفت: «آن روز وقتی متوجه درگیری شدم برای کمک

راهی منزل دایام شدم که بین راه یکی از برادران دو شاکي را دیدم که

با دوستانش به آنجا می‌رفتند. برادر آنها اسلحه داشت به همین خاطر

ترسیدم و به خانه برگشتم. باور کنید در درگیری حضور نداشتم.»

در ادامه ریاست دادگاه آخرین متهم را به جایگاه خواند، اما برادرش

گفتند او مادرزادی کر و لال است و نمی‌تواند صحبت کند. حتی سواد

نوشتن هم ندارد. با تأیید این حرف از سوی دو شاکي ریاست دادگاه

جلسه را به تاریخ دیگری موکول کرد. تا با حضور مترجم ناشنویان متهم

از خودش دفاع کند.

بازداشت راهزنان مسلح

در شهرستان شوش

هشت عضو یک باندهی سرقت مسلحانه که اقدام به راهزنی در جاده‌های استان خوزستان می‌کردند در شهرستان شوش بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سردار سیدمحمد صالحی فرمانده انتظامی استان

خوزستان گفت: چندی قبل شکایت‌های مشابهی درباره راهزنی

مسلحانه به مأموران پلیس آگاهی اوز گزارش شد. بررسی‌های نشان

داد که سارقان مسلح با مسدود کردن مسیر خودروهای عبوری

محموله‌های بار یا اموال مسافران را سرتقت کرده و متواری می‌شوند.

در حالی که تحقیقات پلیس در این باره جریان داشت، مأموران

موفق شدند متهمان را که هشت نفر بودند شناسایی و آنها را در

مخفیگاهشان که روستایی در شهرستان شوش بود بازداشت کنند.

مأموران پلیس در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک دستگاه خودروی

پژو ۴۰۵ و سه دستگاه موتورسیکلت به کار رفته در سرقت‌ها، یک

قبضه اسلحه شکاری و مقداری از لوازم سرقت شده را کشف کردند.

کشف جسد پسر بچه یتان آبادی

مأموران پلیس شهرستان یتستان آباد تبریز جسد پسر بچه گمشده‌ای را پس از سه‌روز کشف کردند.

صبح روز سهشنبه ۲۰آبان‌ماه به مأموران پلیس شهرستان یتستان آباد خبر رسید که پسر بچه‌ای چهار ساله بنام امیر علی پاشایان مقابل خانه‌شان خیابان ملت به طرز مرموزی گم شده‌است.

سرهنگ نایب‌زاده، فرمانده انتظامی

یتستان آباد با اعلام این خبر گفت: پس از این تلاش‌ها برای پیدا کردن

امیرعلی ادامه داشت تا اینکه پس از سه روز مأموران پلیس جسدی را

حوالی منطقه علیجان چایی کشف کردند. وی در پایان گفت: مأموران

پلیس در ادامه تحقیقات سه نفر مظنون را دستگیر کردند و تحقیقات

در خصوص علت این حادثه ادامه دارد.

